

**Prosecuting Managers of Foreign Corporations for
Equipping Iraq with Chemical Weapons from the
Perspective of International Criminal Law and German
Criminal Law
(Original Research)**

Hadi Morad Piri *

Mehdi Piri **

Bahman Saedi ***

(DOI) : 10.22066/CILAMAG.2023.707232

Date Received: 14 Mar.2023

Date Accepted: 6 Aug.2023

Abstract

There is no doubt that the use of chemical weapons by the Iraqi Baath regime in the imposed war against Iran and its massive human casualties, as well as the pain and suffering caused by these attacks for the victims, have been the darkest and most painful consequences of this country's imposed war against Iran. The description of chemical attacks as a war crime has been established and recognized in international law. Without the complicity of foreign companies, the Baath regime in Iraq was not able to produce and use chemical weapons during its imposed war against Iran. Therefore, intending to protect the rights of the victims of chemical attacks, this article deals with the feasibility study of prosecuting the managers of corporations involved in equipping Iraq with chemical weapons from the perspective of international criminal law and German criminal law. The findings of this article show that the liability model of "aiding and abetting" concerning foreign corporations is evident, and also, by paying attention to the history of prosecution of managers of corporations involved in committing international crimes in the years after World War II and the judicial procedure resulting from it, the criminal responsibility of managers of corporations is established and recognized from the perspective of international criminal law. In addition, according to the legal bases in

* Corresponding Author, Associate Professor, Imam Hossein University, Tehran, Iran, hpiri@ihu.ac.ir

** Assistant Professor, Department of Public Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran, mehdi.piri@ut.ac.ir

*** Ph.D. Student in Public International Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran, bahman.saedi@ut.ac.ir



German criminal law, that is, paragraph 9 of section 6 of the German Criminal Code (Strafgesetzbuch – StGB) on the one hand, as well as the history of the trial of former Yugoslavian nationals in German courts in the 90s and the judicial procedure resulting from it, on the other hand, the prosecution of managers of corporations has the necessary legal bases.

Keywords

Prosecution of Corporate Managers, Baath Regime in Iraq, Chemical Weapons, International Criminal Law, German Criminal Law.

تعقیب مدیران شرکتهای خارجی تجهیزکننده عراق به تسلیحات شیمیایی از منظر حقوق بین‌الملل کیفری و حقوق کیفری آلمان (پژوهشی)

* هادی مراد پیری

** مهدی پیری

*** بهمن ساعدی

(DOI) : 10.22066/CILAMAG.2023.707232

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۱۵

چکیده

تردیدی نیست که استفاده رژیم بعث عراق از تسلیحات شیمیایی در جنگ تحمیلی علیه ایران و تلفات انسانی گسترده آن و نیز درد و رنج ناشی از این حملات برای مصدومان این حملات، تاریک‌ترین و رنج‌آورترین پیامد جنگ تحمیلی این کشور علیه ایران بوده است. توصیف حملات شیمیایی به‌عنوان جنایت جنگی در حقوق بین‌الملل تثبیت و به رسمیت شناخته شده است. رژیم بعث عراق، بدون همدستی

hpiri@ihu.ac.ir

mehdi.piri@ut.ac.ir

bahman.saedi@ut.ac.ir

* نویسنده مسئول، دانشیار دانشگاه جامع امام حسین (ع)

** استادیار گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

*** دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی دانشگاه تهران

شرکت‌های خارجی از امکان تولید و به‌کارگیری تسلیحات شیمیایی در طول جنگ تحمیلی خود علیه ایران برخوردار نبود؛ لذا نوشتار حاضر با هدف پیگیری احقاق حقوق قربانیان حملات شیمیایی، به امکان‌سنجی تعقیب مدیران شرکت‌های دخیل در تجهیز عراق به تسلیحات شیمیایی از منظر حقوق بین‌الملل کیفری و حقوق کیفری آلمان می‌پردازد. یافته‌های این نوشتار نشان می‌دهد که مدل مسئولیتی «کمک مادی و معنوی» در رابطه با شرکت‌های خارجی محرز بوده و نیز با عطف توجه به سابقه تعقیب مدیران شرکت‌های دخیل در ارتکاب جرایم بین‌المللی در سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم و رویه‌قضایی ناشی از آن، مسئولیت کیفری مدیران شرکت‌ها از منظر حقوق بین‌الملل کیفری، تثبیت و به رسمیت شناخته شده است. همچنین به نظر می‌رسد با توجه به مبانی حقوقی موجود در حقوق کیفری آلمان، یعنی بند ۹ ماده ۶ قانون مجازات آلمان از یک سو و نیز سابقه محاکمه اتباع یوگسلاوی سابق در دادگاه‌های آلمان در دهه ۹۰ و رویه‌قضایی ناشی از آن از سوی دیگر، تعقیب مدیران شرکت‌ها از مبانی حقوقی قابل اتکایی برخوردار است.

واژگان کلیدی

تعقیب مدیران شرکت‌ها، رژیم بعث عراق، تسلیحات شیمیایی، حقوق بین‌الملل کیفری، حقوق کیفری آلمان

مقدمه

تعقیب مرتکبین جنایات جنگی و جرایم جدی دیگر یعنی نسل‌زدایی و جنایت علیه بشریت، به‌وضوح در رویه‌قضایی محاکم ملی بسیاری کشورها و نیز رویه‌قضایی بین‌المللی تثبیت شده است.^۱ استفاده از تسلیحات شیمیایی در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، یکی از شدیدترین جنایات رژیم صدام علیه ایران بوده است. در حقیقت، رژیم عراق برای مقابله با برتری نظامی قوای ایرانی و به منظور تضعیف روحیه نیروهای ایرانی و اساساً به‌عنوان تاکتیک نظامی در طول جنگ عراق علیه ایران به‌طور گسترده و مستمر از تسلیحات شیمیایی استفاده کرد. درد و رنج ناشی از این حملات باعث شده است مصدومان شیمیایی این حملات، سال‌ها با مرگ دست و

۱. در این رابطه می‌توان به چهار نسل دادگاه‌های بین‌المللی اشاره کرد که از محاکم نورمبرگ و توکیو گرفته تا دیوان‌های کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا و دادگاه‌های مختلط و نهایتاً دیوان کیفری بین‌المللی را شامل می‌شوند؛ بدین صورت که نسل اول: نورمبرگ و توکیو (محاکم کیفری نظامی بین‌المللی)؛ نسل دوم: دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق (ICTY) و دیوان کیفری بین‌المللی برای رواندا (ICTR) (محاکم موردی- بر اساس قطعنامه‌های شورای امنیت و رکن فرعی شورای امنیت)؛ نسل سوم (محاکم مختلط یا بین‌المللی شده): دادگاه سیرالئون، شعب فوق‌العاده در دادگاه‌های کامبوج (خمرهای سرخ)، دادگاه ویژه برای لبنان و شعبه فوق‌العاده سنگال که به ابتکار اتحادیه آفریقا شکل گرفت از جمله محاکم نسل سوم هستند. این محاکم، آمیزه‌ای از محاکم بین‌المللی و داخلی بوده و مانند محاکم موردی موقت هستند؛ نسل چهارم: دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) که بر اساس اساسنامه رم ۱۹۹۸ ایجاد و از اول ژوئیه ۲۰۰۲ لازم‌الاجرا و عملیاتی شد.

پنجه نرم کنند. ضرورت مقابله با بی‌کیفرمانی مرتکبین جدی‌ترین جرایم بین‌المللی از جمله حملات شیمیایی به‌عنوان جنایات جنگی و در محضر عدالت حاضر کردن معاونین و همدستان دولت عراق در تسلیح این کشور به تسلیحات شیمیایی، خود تقویت احترام به حقوق بنیادین بشر، و تضمینی اساسی است که همدستان و معاونین مرتکبین جدی‌ترین جنایات بین‌المللی، بدون مجازات باقی نخواهند ماند. باید توجه داشت رژیم عراق، به هیچ وجه بدو امکان تولید مواد و تجهیزات لازم برای توسعه تسلیحاتی خود را نداشت و ناگزیر بود برای توسعه برنامه تسلیحات شیمیایی خود، بخش زیادی از مواد و تجهیزات لازم را از منابع خارجی تأمین و وارد کند، به طوری که در اوایل دهه ۱۹۸۰ بیش از هزار تن عامل خردل (تیودی گلیکول) از کشورهای اروپای غربی و ایالات متحده وارد کرد.^۲ همچنین در بازه زمانی مذکور، برخی از شرکت‌های صنایع شیمیایی خارجی، علی‌رغم آگاهی از سوابق و نقشه‌های رژیم صدام حسین، مقادیر زیادی از مواد و تجهیزات دارای کاربری دوگانه را به شرکت‌های ذی‌ربط عراقی فروختند.^۳ در حقیقت، پیوند میان مجموعه‌ای از شرکت‌های عمدتاً آلمانی و نمایندگان رژیم صدام، زیربنای یک شبکه خرید عراقی در سراسر اروپا را برای مدت یک دهه بنیان نهاد که بین اواخر دهه ۱۹۷۰ تا ۱۰ سال بعد، این شبکه، پیشرفته‌ترین و ترسناک‌ترین محصولات فناوری نظامی را برای رژیم عراق به ارمغان آورد که پیش از آن هیچ کشور جهان سومی از آن برخوردار نبود.^۴ بنابراین، واقعیت تأسفبار در این مورد آن است که اشخاص و شرکت‌های خارجی زیادی در تجهیز شیمیایی عراق در سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸ مشارکت فعال نمودند و عوامده و آگاهانه در جنایات رژیم بعث در این زمینه معاونت داشتند.^۵ حتی بسیاری از شرکت‌ها ادعا می‌کنند که از سوی دولت‌هایی که در محاصمه عراق و ایران، به بغداد تمایل داشتند، به‌طور ضمنی برای تأمین تسلیحاتی عراق تشویق می‌شدند.^۶ برای تحقق عدالت و نیز مقابله با بی‌کیفرمانی در رابطه با نقض‌های حقوق بین‌الملل، همچون جنایات جنگی، پرداختن به اعمال همدستان در ارتکاب جرایم بین‌المللی ضروری است. پس از جنگ جهانی دوم، جامعه بین‌الملل دریافت که کافی نیست فقط کسانی که

۲. حسین شریفی طراز کوهی، «کاربرد تسلیحات شیمیایی در جنگ ایران و عراق از منظر حقوق بین‌الملل کیفری»، پژوهش حقوق عمومی ۱۸، ۵۲ (۱۳۹۵): ۱۳۳.

۳. همان.

۴. برای مطالعه بیشتر راجع به برنامه تسلیحاتی عراق و کاربرد سلاح‌های شیمیایی در جنگ علیه ایران، ن. ک. همان، ۱۳۳-۱۴۰.

۵. See: <https://www.latimes.com/archives/la-xpm-1991-02-15-mn-1086-story.html>. Accessed February 22, 2023.

۶. سیدقاسم زمانی (الف)، «تأملی بر حکم دادگاه استیناف شهر لاهه (۹ مه ۲۰۰۷) در مورد معاونت در کاربرد سلاح‌های شیمیایی توسط عراق»، مجله حقوقی ۲۴، ۳۷ (۱۳۸۶): ۳۱۴.

۷. See: <https://www.latimes.com/archives/la-xpm-1991-02-15-mn-1086-story.html>. Accessed February 22, 2023.

مستقیماً مرتکب اعمال مجرمانه شده‌اند، پاسخگو باشند. سایر مدل‌های مسئولیت برای تحمیل مسئولیت بر کسانی که به‌طور غیرمستقیم مسئول جرایم بین‌المللی بودند، ضروری و حیاتی تلقی شد.^۸

البته شایان توجه است هنگامی که شرکت‌های چندملیتی در خارج از کشور مرتکب جرایم می‌شوند، اغلب به دلایل مختلف، مانند فقدان صلاحیت قضایی، فقدان اراده سیاسی یا فقدان جرم مقرر وفق حقوق بین‌الملل، از تعقیب مصون می‌مانند. همدستی شرکت‌های شیمیایی خارجی در حملات ارتكابی رژیم صدام حسین علیه جمعیت غیرنظامی و نظامیان ایران و همچنین مردم کرد عراق در چنین دسته‌بندی‌هایی قرار می‌گیرد.^۹ نظر به اینکه بسیاری از شرکت‌های خارجی در تأمین و تولید تسلیحات شیمیایی برای دولت وقت عراق به شیوه‌های مختلف نقش اساسی ایفا کرده‌اند، نوشتار حاضر به دنبال تبیین و شناسایی مدل مسئولیتی است که وفق آن، مبانی حقوقی لازم برای امکان‌سنجی تعقیب مدیران این شرکت‌ها فراهم آید.

با عنایت به مطالب مذکور، نوشتار حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال است که به منظور احقاق حقوق قربانیان حملات شیمیایی جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، چه مدل مسئولیتی، امکان تعقیب و جبران خسارت از شرکت‌های خارجی و نیز تعقیب مدیران این شرکت‌ها از منظر حقوق بین‌الملل کیفری و نظام حقوقی آلمان را فراهم می‌آورد؟ مفروض این است که با توجه به نقش غیرقابل‌انکار شرکت‌های خارجی در تجهیز رژیم عراق به تسلیحات شیمیایی، تعقیب مدیران آن‌ها بر مبنای مدل مسئولیتی «کمک مادی و معنوی» محرز است.

۱. ملاحظات کلی راجع به تسلیحات شیمیایی در حقوق بین‌الملل

در تبیین حقوق بین‌الملل معاهده‌ای ناظر بر تسلیحات شیمیایی، بررسی پروتکل ۱۹۲۵ به‌عنوان پروتکل ممنوعیت استفاده از گازهای خفه‌کننده، سمی یا سایر گازها در جنگ و روش‌های نبرد باکتریولوژیک^{۱۰} و کنوانسیون ۱۹۹۳ تسلیحات شیمیایی^{۱۱} به‌عنوان حقوق بین‌الملل معاهده‌ای، نشان می‌دهد که هرگونه توسعه، تولید، دستیابی، ذخیره یا نگهداری، یا انتقال مستقیم یا غیرمستقیم به هر کسی یا استفاده از تسلیحات شیمیایی مطابق کنوانسیون ۱۹۹۳ ممنوع شده است. به‌طور مشخص، کنوانسیون ۱۹۹۳ بسیار جامع‌تر از پروتکل ۱۹۲۵ است. لازم به ذکر است

8. Oona A. Hathaway et al., "Aiding and Abetting in International Criminal Law", *Cornell Law Review* 104, 6 (2020): 1601.

9. Michaeo f. Kelly, "“Never Again”? German Chemical Corporation Complicity in the Kurdish Genocide", *Berkeley Journal of International Law (BJIL)* 31, 2 (2013): 348.

10. Protocol for the Prohibition of the Use in War of Asphyxiating, Poisonous or other Gases, and of Bacteriological Methods of Warfare, Signed: 17 June 1925.

11. Chemical Weapons Convention (CWC), Signed: 13 January 1993, entered into force: 29 April 1997.

که پروتکل نه دارا بودن تسلیحات شیمیایی، بلکه صرفاً استفاده از آن را غیرقانونی می‌داند. ماده ۷ کنوانسیون ۱۹۹۳ هر کشور عضو را ملزم می‌کند که فعالیت‌های مذکور را در قلمرو خود ممنوع کند. کنوانسیون ۱۹۹۳ صراحتاً از هر کشور عضو می‌خواهد که قوانین کیفری مربوطه را در این زمینه وضع کنند که نسبت به اقدامات اتباعشان در هر جایی قابل اعمال باشد. با وجود این، کنوانسیون ۱۹۹۳ به منظور ایجاد صلاحیت کیفری قابل اعمال برای اتباع خارجی (صلاحیت جهانی) در خصوص اعمال ارتكابی آن افراد در خارج از قلمرو کشورهای عضو، فاقد تعهدی الزام‌آور است و همچنین در این کنوانسیون، مقرراتی در مورد استرداد وجود ندارد.

با این حال، تعقیب استفاده‌کنندگان تسلیحات شیمیایی وفق جنایات جنگی از مبانی هنجاری قابل توجهی خواه در مقررات بین‌المللی و خواه قوانین داخلی برخوردار است. استفاده از این تسلیحات در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی، به‌ویژه سم یا سلاح‌های سمی و گازهای خفه‌کننده، سمی یا سایر گازها جنایت جنگی محسوب می‌شود.^{۱۲} همچنین توجه به نظام‌های حقوق داخلی نیز حکایت از جرم‌انگاری استفاده از تسلیحات شیمیایی دارد. برای نمونه، قانون مجازات فرانسه،^{۱۳} قانون مسئولیت کیفری برای نسل‌زدایی، جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی سوئد،^{۱۴} قانون مجازات بلژیک؛^{۱۵} قانون ضد جرایم حقوق بین‌الملل آلمان،^{۱۶} قانون جرایم بین‌المللی هلند،^{۱۷} قانون مجازات فنلاند^{۱۸} و قانون دادگاه کیفری عالی عراق^{۱۹} از جمله نظام‌های حقوقی جرم‌انگاری‌کننده به‌کارگیری تسلیحات شیمیایی هستند. علاوه بر این، همان‌گونه که اشاره شد، در حقوق بین‌الملل معاهده‌ای، در خصوص استفاده از تسلیحات شیمیایی، ممنوعیت جامع و فراگیر وجود دارد که می‌توان در دو چارچوب ذیل دسته‌بندی کرده و مورد توجه قرار داد:

۱. مجموعه‌ای از معاهدات، استفاده از تسلیحات شیمیایی در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی را ممنوع کرده است؛ از جمله اعلامیه لاهه در مورد گازهای خفه‌کننده (۱۸۹۹)، پروتکل ژنو (۱۹۲۵)، کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی (۱۹۹۳) و اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی ۱۹۹۸.

۲. در رابطه با مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی، اسناد دیگری نیز وجود دارد، مانند اعلامیه

12. ICC-Statute, Signed: 17 July 1998, entered into force: 1 July 2002, Article 8(2)(b) (xvii) and Article 8(2)(e)(xiii).

13. FCC, art. 461-18

14. UCA, sec. 10.

15. Criminal Code, art. 136 quater, paragraph 37.

16. CCIL, Sec. 12.

17. ICA, Sec. 5(g)&(h).

18. CCF, Sec. 5(14).

19. IHCCCL, art. 13 (18)(19).

مندوزا (مندوسا) در مورد تسلیحات شیمیایی و بیولوژیکی (۱۹۹۱)،^{۲۰} اعلامیه کارتاخنا در مورد تسلیحات کشتار جمعی (۱۹۹۱)^{۲۱} و موافقت‌نامه جامع احترام به حقوق بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه در فیلیپین (۱۹۹۸).^{۲۲}

از منظر حقوق بین‌الملل عرفی و به‌طور مشخص بر اساس حقوق بین‌الملل بشردوستانه عرفی، استفاده از تسلیحات شیمیایی برای همه طرف‌های مخاصمه مسلحانه، خواه بین‌المللی یا غیربین‌المللی، ممنوع است. همان‌گونه که اشاره شد، ممنوعیت استفاده از تسلیحات شیمیایی در قوانین بسیاری از کشورها، در بیانیه‌ها و اقدامات متعدد دولت‌ها، رویه قضایی ملی^{۲۳} و بین‌المللی و در دستورالعمل‌های نظامی متعدد منعکس شده است و لذا ممنوعیت استفاده از تسلیحات شیمیایی در رویه دولت‌ها به‌عنوان هنجار حقوق بین‌الملل عرفی قابل اجرا در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی تلقی می‌شود.^{۲۴} علاوه بر این، شورای امنیت سازمان ملل متحد، پیوسته و در بازه زمانی مختلف، استفاده از تسلیحات شیمیایی توسط دولت‌ها را محکوم و اشاعه یا استفاده از تسلیحات شیمیایی را تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی شناسایی کرده است.^{۲۵} بنابراین، استفاده از تسلیحات شیمیایی وفق حقوق بین‌الملل بشردوستانه عرفی ممنوع و از منظر حقوق بین‌الملل کیفری جنایت جنگی محسوب می‌شود؛ لذا ممنوعیت مطلق کاربرد تسلیحات شیمیایی، هرگونه حربه‌ای را جهت توجیه ارسال یا اجازه صدور جنگ‌افزارهای شیمیایی ناموجه می‌نماید.^{۲۶}

نقض اصول بنیادین حقوق بین‌الملل بشردوستانه و ارتکاب جنایات جنگی، ویژگی و مشخصه بارز جنگ تحمیلی رژیم سابق عراق علیه ایران بوده است. بدون تردید، استفاده از تسلیحات شیمیایی در طول جنگ تحمیلی و در بازه زمانی مختلف علیه نیروهای نظامی و نیز جمعیت غیرنظامی ایران، نقض جدی حقوق بین‌الملل بشردوستانه و یکی از شدیدترین جنایات جنگی نیروهای عراقی بوده که آثار و صدمات جبران‌ناپذیری بر قربانیان داشته است. استفاده از تسلیحات شیمیایی توسط رژیم عراق در نتیجه کمک و همدستی کشورها، افراد و شرکت‌های

20. Mendoza Declaration on Chemical and Biological Weapons (1991).

21. Cartagena Declaration on Weapons of Mass Destruction (1991).

22. Comprehensive Agreement on Respect for Human Rights and IHL in the Philippines (1998).

23. The Netherlands, District Court in The Hague, Van Anraat case.

24. Jean-Marie Henckaerts and Louise Doswald-Beck, *Customary International Humanitarian Law Volume I: Rules* (United Kingdom: Cambridge University Press, 2005), 259.

25. See UN Security Council resolution 582 (1986), resolution 598 (1987), resolution 612 (1988), and resolution 620 (1988) in the context of the Iran-Iraq War. See also resolutions 2118 (2013) and 2235 (2015) in the context of the conflict in the Syrian Arab Republic.

۲۶. سیدقاسم زمانی (ب)، تأملی بر رعایت حقوق بی‌طرفی در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران (تهران: انتشارات شهر دانش، ۱۳۸۰)، ۷۰.

خارجی از جمله شرکت‌های آلمانی،^{۲۷} امریکایی،^{۲۸} انگلیسی،^{۲۹} فرانسوی،^{۳۰} هلندی،^{۳۱} بلژیکی،^{۳۲} فنلاندی،^{۳۳} سوئدی^{۳۴} ارتکاب یافت.^{۳۵}

۲. امکان‌سنجی احراز مسئولیت مدیران شرکت‌ها در تجهیز رژیم عراق به تسلیحات شیمیایی

به منظور ارزیابی و بررسی امکان احراز مسئولیت مدیران شرکت‌ها در تجهیز رژیم عراق به تسلیحات شیمیایی، مبحث حاضر، وقایع، احراز مدل مسئولیتی مدیران شرکت‌ها، تعقیب شرکت‌ها یا مدیران شرکت‌ها و تعقیب مدیران شرکت‌ها از منظر حقوق کیفری آلمان را مطالعه می‌کند.

۱-۲. وقایع^{۳۶}

بررسی حقایق مربوط به کمک شرکت‌های خارجی به رژیم بعث عراق در تجهیز و به‌کارگیری تسلیحات شیمیایی نشان می‌دهد که در اشکال مختلف کمک‌هایی به رژیم بعث عراق صورت گرفته است. برای نمونه در کشور آلمان، حتی اگر قوانین صادراتی محدودکننده برای نوع تجارتی که شرکت‌های شیمیایی آلمان به دنبال انجام آن بودند وضع شده باشد، این شرکت‌ها به راحتی آن را دور می‌زدند؛ در حقیقت، کنترل صادرات آلمان ضعیف بود، به نحوی که مقامات ارشد در

۲۷. شرکت‌های آلمانی از جمله: کارل کولب (Karl Kolb)، وت (Water Engineering Trading (WET)، هربرگر (Herberger)، بروساگ (Preussag)، پیلوت پلنت (Pilot Plant)، زیمنس (Siemens)، دگوسا (Degussa)، زیگماشیمی (Sigma)، جوزج (Hoechs)، آن لانگر باور.

۲۸. شرکت‌های آمریکایی از جمله: فلیس، آل کولاک (Alcolac Inc)، آمریکن کاست (American Cast)، تی.ام.جی، مارتین گروپ راکشن، آرنولد اندرسون، یونیون کارباید (Union Carbide)، کارزیس یو اس (مشترک با انگلیس)، امریکن استیل اکسپورت (ASEC)، بکتل، ATM (وزارت بازرگانی آمریکا)، CDC (مرکز کنترل بیماری‌های آمریکا).

۲۹. شرکت‌های انگلیسی: کمپوزیتا، بوگو، ماتریکس چرچیل، آبرونس پیس، تک نیسترون، بابکاک، ویلکاس، بریتش پترولیوم اکسپورت، میداینترنشنال، هانی‌ول (Honeywell)، یونیسیز، اسپری کرپ، راک ول، هیولت بکارد، پورتون داون.

۳۰. شرکت‌های فرانسوی: نورد فرانس، ناسه، الکاتل، تامسون سی.اس.اف، فادلر، اس.ان.پی.آی، گلاشوت، اتوشم، ماترا، انستیتو پاستور پاریس.

۳۱. شرکت‌های هلندی: کلیسترو نیوژن، مالکومی، سری دان شیمی، کی.بی.اس، مل شیمی (کمی).

۳۲. شرکت‌های بلژیکی: تینردو، سیکس گو، پی.آر.پی، نفت فیلپس.

۳۳. شرکت‌های فنلاندی: هیریست، کمیرا.

۳۴. شرکت سوئدی: نوبل شیمی.

۳۵. محمداقبر نیک‌خواه بهرامی، جنایت جنگی حملات شیمیایی عراق در جنگ با ایران، تهران: انتشارات مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، (۱۳۹۱)، ۴۲۵.

اداره اقتصاد فدرال آلمان در/اشبورن^{۳۷} به‌عنوان مسئول اعمال کنترل‌ها،^{۳۸} معتقدند که حتی برخی از معتبرترین شرکت‌های این کشور، آگاهانه اطلاعات مربوط به درخواست‌های مجوز صادرات را جعل می‌کردند و علی‌الظاهر مطمئن بودند که تحت تعقیب قرار نمی‌گیرند.^{۳۹} به‌عنوان مثال، این اداره به‌طور معمول مجوزهای صادراتی را برای شرکت بزرگ ماشین‌آلات گیلد مستر^{۴۰} که پیمانکار اصلی پروژه ۱ میلیارد دلاری سعد ۱۶^{۴۱} در موصل، در ۱۷۵ مایلی شمال بغداد بود، با پذیرش توصیف شرکت از تأسیسات به‌عنوان مرکز تحقیقاتی دانشگاهی صادر می‌کرد.^{۴۲} لازم به ذکر است که سعد ۱۶ بعدها به‌عنوان بزرگ‌ترین مرکز آزمایش و تحقیقات تسلیحاتی در جهان عرب شناخته شد. هانس دیتر کوروینوس،^{۴۳} مدیر بخش کنترل صادرات در اشبورن اظهار داشت: «اعتقاد من این است که شرکت [مربوطه] می‌دانست چه کار می‌کند».^{۴۴} همچنین شرکت کوچک ا.ج. پلاس ا.ج. متال‌فرم،^{۴۵} نمونه دیگر از شبکه خرید عراق بود. این شرکت، مظنون به تهیه و تحویل ماشین‌آلات بارزش به عراق برای تولید سانتریفیوژهای گاز برای تأسیسات غنی‌سازی اورانیوم در تادشی^{۴۶} در شمال بغداد و یک مرکز رایانه‌ای برای آزمایش فلزات برای مواردی مانند لوله توپ تانک، روکش موشک و نارنجک است. ا.ج. پلاس ا.ج. آن قدر قابل اعتماد بود که حتی از آن خواسته شد تا فولاد مجسمه صدام حسین را در بغداد تهیه کند.^{۴۷} یکی دیگر از شرکت‌های تجاری کوچک آلمانی، کارل کولب،^{۴۸} مظنون به تحویل شش ماشین‌آلات گاز اعصاب به مجتمع سامرا در دوره هشت ساله است. این شرکت ادعا می‌کند قرارداد منعقد شده برای فروش آفت‌کش‌ها برای کمک به کشاورزی عراق بود.^{۴۹} همچنین از شرکت‌های بزرگ می‌توان به مسراشمیت بولکوف بلوم (ام‌بی‌بی) اشاره کرد.^{۵۰} این شرکت برجسته هوافضای آلمان،

37. Eschborn.

38. See: <https://www.latimes.com/archives/la-xpm-1991-02-15-mn-1086-story.html>. Accessed February 22, 2023.

39. *Ibid.*

40. Gildemeister.

41. Saad 16.

42. See: <https://www.latimes.com/archives/la-xpm-1991-02-15-mn-1086-story.html>. Accessed February 22, 2023.

43. Hans-Dieter Corvinus.

44. See: <https://www.latimes.com/archives/la-xpm-1991-02-15-mn-1086-story.html>. Accessed February 22, 2023.

45. H+H Metalform.

46. Tadshi.

47. See: <https://www.latimes.com/archives/la-xpm-1991-02-15-mn-1086-story.html>. Accessed February 22, 2023.

48. Karl Kolb.

49. See: <https://www.latimes.com/archives/la-xpm-1991-02-15-mn-1086-story.html>. Accessed February 22, 2023.

50. Messerschmitt-Bölkow-Blohm (MBB).

بالگردهای زرهی عراقی و اجزای کلیدی حدود ۱۰۰۰۰ موشک ضد تانک و ضد هوایی عراقی را تولید کرد. همچنین این شرکت به‌عنوان پیمانکار فرعی مهم در مرکز تحقیقات تسلیحات سعد ۱۶ کار می‌کرد و اعتقاد بر این است که به عراق در توسعه یک موشک میان‌برد کمک کرد.^{۵۱} با این حال، این شرکت با کار از طریق شرکت‌های ثانویه، برای نمونه در مواردی با یورومیسیل^{۵۲} فرانسه (که ام.بی.بی مالک ۵۰٪ آن بود)، و در موارد دیگر با شرکت‌های مشاوره کوچک که غالباً با تعدادی از مهندسان سابق این شرکت کار می‌کردند، تلاش داشت نقش آفرینی خود را انکار کند.^{۵۳} در واقع، شرکت‌های آلمانی بسیار مراقب بودند که تجارت با عراق را به گونه‌ای انجام دهند که قوانین آلمان را زیر پا نگذارد. موارد مذکور در گزارش سال ۱۹۹۱ پروژه تحقیقاتی و اطلاعاتی میدل/ایست^{۵۴} نیز آمده که نشان می‌دهد فرایند دورزدن قوانین و استفاده از شرکت‌های فرعی دیگر، از جمله روش‌های عمده بوده است. توجه به اقدامات شرکت‌های برجسته‌ای مانند ام.بی.بی، و اکنون متعلق به دایملر-بنز^{۵۵} یا دگوسا،^{۵۶} مهم است. همان گونه که اشاره شد، از راه‌های مختلفی برای انجام این کار استفاده می‌شد. در برخی موارد، اسلحه به کشور دیگری مانند فرانسه صادر و سپس مجدداً به عراق صادر می‌شد. مثلاً ام.بی.بی بالگردهای بی-ک-۱۱۶ و بی-ا-۱۰۵ را با استفاده از واسطه‌های آمریکایی، انگلیسی یا اسپانیایی به عراق صادر کرده بود. روش دیگر این بود که مهندسان ام.بی.بی، شرکت را ترک کرده و شرکت‌های جدیدی را با فناوری که در ابتدا توسط ام.بی.بی توسعه داده شده بود راه‌اندازی کنند. روش سوم، تولید مشترک سلاح با یک شرکت خارجی است که تحت محدودیت‌های مشابه شرکت‌های آلمانی قرار ندارد. عراق ۵۰۰۰ موشک ضد تانک هات و ۱۶۶ پرتابگر و بیش از ۴۵۰۰ موشک میلان خریداری کرده بود. علاوه بر این، ۱۰۵۰ موشک ضد هوایی رولند سفارش داد و این تجارت تسلیحاتی که در آلمان غیرقانونی بود، از طریق شرکت فرانسوی یورومیسیل انجام شد.^{۵۷}

اگرچه گزارش‌ها در رابطه با تجارت انتقال فناوری تسلیحات شیمیایی توسط شرکت‌های خارجی از جمله شرکت‌های آلمانی در ابتدا رد می‌شد، شواهد زیادی برخلاف این موضوع به‌طور مستمر ارائه شد تا اینکه دادستان‌های آلمانی پرونده‌هایی را علیه شرکت‌های آلمانی به دلیل نقض قوانین صادرات در تجارت خود با عراق اقامه کردند، اما این پرونده‌ها تا حد زیادی ناموفق

51. See: <https://www.latimes.com/archives/la-xpm-1991-02-15-mn-1086-story.html>. Accessed February 22, 2023.

52. Euromissile.

53. *Ibid.*

54. Middle East Research and Information Project.

55. Daimler-Benz.

56. Degussa.

57. Qtd. in Kelly, "“Never Again”? German Chemical Corporation Complicity in the Kurdish Genocide", 367.

بود.^{۵۸} در واقع، در ۱۹۸۷ در پی بازرسی‌های متعدد از دفاتر دوازده شرکت آلمانی، تعداد زیادی مدارک و سند دال بر صادرات غیرقانونی به دست آمد.^{۵۹} صرفاً در سال آخر جنگ و به دلیل استفاده گسترده عراق از تسلیحات شیمیایی بود که دادستانی آلمان علیه چند شرکت آلمانی که متهم به ارسال و صدور مواد شیمیایی به عراق برای ساخت بمب‌های شیمیایی بودند، اعلام جرم کرد و آن‌ها را تحت تعقیب قرار داد. با این حال، پرونده مذکور صرفاً بر اساس نقض مقررات گمرکی پیگیری شد و بدون دستاوردی خاتمه پیدا کرد و نامی از شرکت‌های شاخص آلمانی که مواد و تجهیزات و فناوری لازم را برای رژیم عراق فراهم کرده بودند، برده نشد.^{۶۰}

۲-۲. احراز مدل مسئولیتی مدیران شرکت‌ها

در این گفتار در قالب دو بند به ترتیب «کمک مادی و معنوی مدیران شرکت‌ها» و «ارزیابی نهایی» بررسی می‌شود.

الف. کمک مادی و معنوی مدیران شرکت‌ها با ابتناء بر حقوق بین‌الملل کیفری

در حالی که فروش فناوری تسلیحات شیمیایی توسط شرکت‌های خارجی به عراق، نه نقض پروتکل ۱۹۲۵ ژنو بود و نه جنایت جنگی، استفاده صدام از این سلاح‌ها علیه نیروهای ایرانی، هم نقض پروتکل ۱۹۲۵ و هم ارتکاب جنایات جنگی بوده است. باید توجه داشت شرکت‌های خارجی وسایل لازم را برای ارتکاب این جنایات در اختیار او قرار دادند. نظر به اینکه اقدام شرکت‌های خارجی نه ارتکاب مستقیم جنایات جنگی بلکه اقدامی غیرمستقیم در ارتکاب آن بوده است، «کمک مادی و معنوی» مدل مسئولیتی مناسبی برای تعقیب شرکت‌ها خواهد بود.^{۶۱} از زمان دادگاه نورمبرگ، هیچ تردیدی وجود ندارد که همدستان مجرم، از جمله کسانی که به ارتکاب جنایات کمک می‌کنند، تحت حقوق بین‌الملل کیفری مسئول هستند. منشور نورمبرگ، مسئولیت فردی را بر همدستانی که در تدوین یا اجرای طرح یا تبانی مشترک برای ارتکاب یک جنایت مندرج در منشور مشارکت داشته‌اند، تحمیل کرده است.^{۶۲}

کمک مادی و معنوی دو عنصر دارد: اول، رفتار شخص کمک‌کننده مادی و کمک‌کننده

58. *Ibid.*

59. سیدقاسم زمانی (ج)، حقوق بین‌الملل و کاربرد سلاح‌های شیمیایی در جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، (تهران: انتشارات بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس - مدیریت ادبیات و انتشارات، ۱۳۷۶)، ۴۹.

60. زمانی (الف)، همان، ۳۱۷.

61. Kelly, "“Never Again”? German Chemical Corporation Complicity in the Kurdish Genocide", 368.

62. Douglass Cassel, "Corporate Aiding and Abetting of Human Rights Violations: Confusion in the Courts." *Northwestern Journal of International Human Rights* 6, 2 (2008): 307.

معنوی که از آن به‌عنوان «عنصر مادی»^{۶۳} یاد می‌شود و دوم، حالت و وضعیت روانی فرد که از آن به‌عنوان «عنصر معنوی»^{۶۴} یاد می‌شود. در مورد عنصر مادی آن در حقوق کیفری بین‌الملل اختلاف کمی وجود دارد، همان‌طور که در رأی دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق در قضیه فوروندزیا^{۶۵} نیز مورد استناد قرار گرفته است: «... شعبه دادرسی معتقد است که استفاده عنصر مادی کمک مادی و معنوی در حقوق بین‌الملل کیفری مستلزم کمک عملی، تشویق یا حمایت اخلاقی است که تأثیر قابل توجهی^{۶۶} بر ارتکاب جرم دارد».^{۶۷}

با این حال، چندپارگی در استانداردهای کمک مادی و معنوی در بین محاکم کیفری بین‌المللی و مختلط، منجر به سردرگمی قابل توجهی برای محققان و دادگاه‌ها شده است. در زیر به تفکیک، محاکم بین‌المللی، عناصر مادی و معنوی کمک مادی و معنوی مورد توجه قرار می‌گیرند.^{۶۸}

عنصر معنوی	عنصر مادی	دادگاه
آگاهی به این که این اعمال به ارتکاب جرم اصلی کمک می‌کند.	اعمالی که به‌طور خاص برای کمک انجام می‌شود که تأثیر قابل توجهی بر جرم اصلی دارند.	د.ب.ک. یوگسلاوی سابق
آگاهی به این که این اعمال به ارتکاب جرم اصلی کمک می‌کند.	اعمالی که به‌طور خاص برای کمک انجام می‌شود که تأثیر قابل توجهی بر جرم اصلی دارند.	د.ب.ک. رواندا
آگاهی به این که این اعمال به ارتکاب جرم اصلی کمک می‌کند.	کمک با تأثیر قابل توجهی بر جرم اصلی	د.و.سیرالئون
آگاهی به این که این اعمال به ارتکاب جرم اصلی کمک می‌کند.	کمک با تأثیر قابل توجهی بر جرم اصلی	ش.ف. دادگاه‌های کامبوج
با هدف تسهیل ارتکاب جرم اصلی	کمک همراه با تأثیری بر جرم اصلی	د.ک.ب
به قصد کمک به ارتکاب جرم اصلی و آگاهی از قصد آن مرتکب	کمک به ارتکاب جرم اصلی به یکی از روش‌های متعدد مقرر شده؛ بدون نیاز به تأثیر قابل توجه.	م.و. لبنان

63. *Actus Reus*.

64. *Mens rea*.

65. Furundzija

66. Substantial effect.

67. ICTY, *Prosecutor v. Furundzija*, Case No. IT-95-17/1-T, Trial Chamber, Judgment, (Dec. 10, 1998), para. 235.

68. Hathaway, "Aiding and Abetting in International Criminal Law", 1609.

(۱) عنصر مادی

عنصر مادی کمک مادی و معنوی در محاکم کیفری بین‌المللی و مختلط، شباهت‌های زیادی با هم دارند. به‌عنوان مثال، ممکن است فعل یا ترک معاونت، قبل، در حین یا بعد از جرم اصلی اتفاق بیفتند. به‌علاوه، دادگاه‌ها عموماً میان عمل کمک مادی و معنوی تمایز قائل می‌شوند. کمک مادی مستلزم کمک به مرتکب اصلی برای ارتکاب جرم است، در حالی که کمک معنوی شامل تسهیل یا تحریک به ارتکاب جرم اصلی است. همان‌طور که در قضیهٔ بمبا در دیوان کیفری بین‌المللی به‌خوبی با استناد به رویه قضایی محاکم بین‌المللی موقت تبیین شده است، «[مفهوم] «کمک معنوی»، کمک اخلاقی یا روانی معاون [جرم] به مرتکب اصلی را توصیف می‌کند که به شکل تشویق یا حتی همدردی برای ارتکاب جرم خاص است»^{۶۹} در حالی که «کمک مادی»، «به معنای ارائهٔ کمک عملی یا مادی» به مرتکب اصلی است.^{۷۰}

در خصوص شرط «تأثیر قابل توجه» بین محاکم بین‌المللی و مختلط، چندپارگی وجود دارد. دادگاه‌های موقت و همچنین دادگاه ویژهٔ سیرالئون و شعبات فوق‌العاده در دادگاه‌های کامبوج، لازم می‌دانند که فعل یا ترک فعل ادعایی، «تأثیر قابل توجهی بر ارتکاب جرم» مقرر شده در اساسنامه داشته باشد.^{۷۱} در مقابل، دیوان کیفری بین‌المللی در قضیهٔ بمبا مقرر می‌دارد که کمک باید «تأثیری» بر ارتکاب جرم داشته باشد^{۷۲} و مقرر می‌دارد که کمک مقرر در شق (ج) بند ۳ ماده ۲۵ متضمن آستانهٔ مشخصی از کمک نیست.^{۷۳} دادگاه ویژه برای لبنان، مطابق با قوانین کیفری داخلی لبنان نیز متضمن تأثیر قابل توجه نیست.^{۷۴} بنابراین، دیوان کیفری بین‌المللی برخلاف رویه قضایی محاکم کیفری موقت، آستانهٔ پایینی را برای عنصر مادی کمک مادی و معنوی مقرر کرده است که نیازی به کمک «قابل توجه» ندارد.

(۲) عنصر معنوی

قبل از توسعهٔ مفهوم حقوقی عنصر معنوی، شخص صرفاً بر اساس رفتار فیزیکی (عنصر مادی) مجرم شناخته می‌شد. در حال حاضر، همهٔ دادگاه‌های بین‌المللی و مختلط، به یک عنصر معنوی منطقی برای ایجاد مسئولیت کمک مادی و معنوی نیاز دارند. با این حال، بین آن‌ها تفاوت آشکاری است. دادگاه‌ها از سه معیار مختلف برای عنصر معنوی استفاده می‌کنند: آگاهی، هدف و قصد.

69. ICC, *Prosecutor v. Bemba*, Case No. ICC-01/05-01/13, Trial Judgment Pursuant to Article 72 of the Statute, (Oct. 19, 2016), para. 89.

70. *Ibid.*, para. 88.

71. Hathaway, et al., "Aiding and Abetting in International Criminal Law", 1611, n54.

72. ICC, *op.cit.*, paras. 90-94.

73. *Ibid.*, *Prosecutor v. Bemba*, Case No. ICC-01/05-01/13, para. 93.

74. Hathaway, et al., "Aiding and Abetting in International Criminal Law" 1611, n55.

دادگاه‌های موقت، دادگاه ویژه سیرالئون و شعبات فوق‌العاده در دادگاه‌های کامبوج، آستانه‌ای نسبتاً پایین، یعنی صرف آگاهی را برای عنصر معنوی مقرر کرده‌اند. چنین آگاهی می‌تواند واقعی یا سازنده باشد و می‌تواند از آگاهی گسترده‌تر مرتکب و همچنین «اوضاع و احوال مربوطه»^{۷۵} استنتاج شود. از منظر مسئولیتی، کمک‌کننده مادی و معنوی باید از عناصر اساسی جرمی که در نهایت مجرم اصلی مرتکب می‌شود، آگاه باشند.^{۷۶} برای آن دسته از دادگاه‌هایی که استاندارد آگاهی را برای عنصر معنوی به کار می‌برند، نیازی نیست که کمک‌کننده مادی و معنوی در قصد مرتکب اصلی شریک باشند. با این حال، زمانی که جرم اصلی مستلزم قصد خاص باشد، یعنی جرمی که مستلزم قصد ارتکاب عمل مجرمانه با هدفی خاص است، ممکن است به استاندارد عنصر معنوی بالاتری نیاز باشد.^{۷۷} به‌عنوان مثال، برای اینکه مرتکب، برای کمک مادی و معنوی در جرم آزار و اذیت مداوم مسئول شناخته شود، وی باید نه تنها از جرمی که ارتکاب آن را تسهیل می‌کند، بلکه از قصد تبعیض‌آمیز مرتکب اصلی نیز آگاه باشد. با این حال، به‌طور کلی، کمک‌کننده مادی و معنوی فقط باید آگاهی داشته باشد که رفتار او به ارتکاب جرم کمک می‌کند.^{۷۸} به‌عنوان مثال، دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق در پرونده بردانین^{۷۹} این امر را به رسمیت شناخت که صرف آگاهی از خطر ارتکاب تعدادی از جرایم مختلف، برای احراز عنصر معنوی کفایت می‌کند، حتی اگر فرد از ارتکاب واقعی یکی از آن جرایم اطلاعی نداشته باشد.^{۸۰}

با توجه به چندپارگی موجود در عنصر معنوی، موضوع بحث‌برانگیزتر وقتی است که این مسئله مطرح می‌شود که آیا کمک‌کننده مادی و معنوی صرفاً باید «آگاهی»^{۸۱} داشته باشد که اقدامات او ارتکاب جرم را تسهیل می‌کند یا این که باید «هدفی»^{۸۲} برای تسهیل جرم داشته باشد.^{۸۳} در چندین قضیه پس از جنگ جهانی دوم از استاندارد آگاهی استفاده شده است. به‌عنوان مثال، در قضیه سایکلون ب^{۸۴} دادستان‌ها نزد دادگاه نظامی بریتانیا تلاش نکردند ثابت کنند که متهم به قصد کمک به کشتن زندانیان اقدام کرده است. این امر پذیرفته شد که هدف آن‌ها فروش حشره‌کش به اس‌اس^{۸۵} بود (برای سود، و این هدف قانونی است که از راه‌های قانونی دنبال می‌شود). اتهامی که دادگاه

75. The relevant circumstance.

76. Hathaway, et al., "Aiding and Abetting in International Criminal Law," 1614-1615.

77. *Ibid.*, 1615.

78. *Ibid.*

79. Brdanin.

80. ICTY, *Prosecutor v. Brdanin*, Case No. IT-99-36-T, Trial Judgment, (Sept. 1, 2014), para: 272.

81. Knowledge.

82. A purpose.

83. Cassel, "Corporate Aiding and Abetting of Human Rights Violations: Confusion in the Courts." 307.

84. Zyklon B Case.

85. SS (Schutzstaffel).

پذیرفت این بود که آنها می‌دانستند خریدار در واقع قصد دارد با محصولی که عرضه می‌کند چه کند.^{۸۶} همچنین در قضیه *آینزاتس‌گروپن*،^{۸۷} دادگاه نظامی آمریکا برای محکوم کردن متهم، نه شرط هدف، بلکه از شرط آگاهی استفاده کرد و مقرر داشت: «متهم می‌دانست که اعداها در حال انجام است. او اعتراف کرد که تشریفات رسیدگی که بر اساس آن، به اصطلاح راجع به مجرمیت یک فرد تصمیم‌گیری و منجر به محکومیت او به اعدام می‌شد، «بسیار اختصاری» بوده است. اما هیچ ادله‌ای وجود ندارد که او تا به حال، کاری در این مورد انجام داده باشد. به‌عنوان دومین افسر عالی‌رتبه در [یگان] تکاوران،^{۸۸} نظرات او می‌توانست در ایراد یا اعتراض به آنچه اکنون می‌گوید تشریفات رسیدگی بسیار اختصاری بوده است، مسموع دانسته شود، اما ترجیح داد که به بی‌عدالتی توجهی نکند».^{۸۹}

با وجود این، قضایای بحث‌برانگیزی بوده‌اند که در آن شرط صرف آگاهی رد شده است. برای مثال، در قضیه *وزارتخانه‌ها*،^{۹۰} یک دادگاه نظامی آمریکا در نورمبرگ، شرط آگاهی را رد کرد. در این قضیه یکی از مدیران بانک *درسدنر*،^{۹۱} متهم به ارائه وام به کسب و کارهای غیرقانونی شده بود، چرا که می‌دانست پول برای تأمین مالی کسب‌وکارهایی که از نیروی کار اجباری استفاده می‌کنند، به کار خواهد رفت. دادگاه در رد محکومیت مدیر بانک اظهار داشت: «سؤال واقعی این است که آیا دادن وام با علم یا داشتن دلیل موجه برای این باور که وام‌گیرنده از وجوه برای تأمین مالی تشکیلات اقتصادی غیرقانونی استفاده می‌کند که نیروی کار را برخلاف حقوق ملی یا بین‌الملل به کار می‌برند، جرم است؟ ... وام یا فروش کالاها برای استفاده در تشکیلات اقتصادی غیرقانونی می‌تواند از نظر اخلاقی عمل محکومی باشد و منعکس‌کننده هیچ اعتباری برای وام‌دهنده یا فروشنده نباشد ... اما به‌سختی می‌توان گفت که این تراکنش جرم است».^{۹۲} بنابراین، علی‌رغم آنکه اکثریت رویه‌قضایی از شرط آگاهی استفاده می‌کنند، باید اذعان کرد که رویه‌قضایی یکسان نیست؛ حداقل برخی از پرونده‌های پس از جنگ جهانی دوم مستلزم آن هستند که کمک‌کننده مادی و معنوی هدف مجرمانه نیز داشته باشند.^{۹۳} با این حال، به نظر

86. Qtd. in ICTY, *Prosecutor v. Furundzija*, para: 238.

87. Einsatzgruppen Case.

88. Kommando.

89. Qtd. in Cassel, "Corporate Aiding and Abetting of Human Rights Violations: Confusion in the Courts." 308-309.

90. Ministries Case.

- متهمان این پرونده از مقام‌های وزارتخانه‌های مختلف رایش بودند که به دلیل نقش آن‌ها در آلمان نازی و در نتیجه مشارکت یا مسئولیت آن‌ها در بی‌رحمی‌های متعددی که هم در آلمان و هم در کشورهای اشغالی در طول جنگ مرتکب شدند، با اتهام‌های مختلفی روبه‌رو بودند.

91. Dresdner Bank.

92. Qtd. in Cassel, Douglass, "Corporate Aiding and Abetting of Human Rights Violations: Confusion in the Courts." 309.

93. *Ibid.*

می‌رسد استدلال دادگاه در مورد اخیر، با توجه به احراز عنصر معنوی نسبت به متهم و نیز وفق مقابله با بی‌کیفرمانی مرتکبین جرایم بین‌المللی، به‌وضوح سست‌بنیان است.

چند ماه قبل از اینکه شعبه دادرسی دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق در قضیه فوروندزیجا، شرط آگاهی را برای کمک مادی و معنوی بپذیرد، اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی شرط هدف را برای اکثر، اما نه همه موارد کمک مادی و معنوی پذیرفت. آنچنان که وفق شق (ج) بند ۳ ماده ۲۵ اساسنامه دیوان آمده است: «با هدف تسهیل در ارتکاب چنین جرمی، کمک مادی و معنوی یا به نحوی دیگر به ارتکاب آن یا شروع به ارتکاب آن، از جمله فراهم کردن وسایل برای ارتکاب آن، کمک می‌کند».

اعتقاد بر این است که هدف در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نباید به معنای هدف انحصاری یا حتی اصلی باشد، بلکه هدف ثانویه، از جمله هدفی که از آگاهی نسبت به پیامدهای احتمالی استنباط می‌شود، باید کافی باشد. نمونه چنین موردی، قضیه سایکلون ب است. دادگاه پذیرفت که هدف تجار متهم از فروش سایکلون ب، در حالی که می‌دانستند از آن در اتاق‌های گاز استفاده می‌شود، کسب سود بود. همان‌طور که دادگاه مقرر داشت، متهمان به هدف هیتلر برای از بین بردن یهودیان اهمیتی نمی‌دادند؛ آن‌ها صرفاً قصد داشتند از این کار او سود ببرند.^{۹۴} با این حال، با تأمین گاز با علم به این که از آن برای کشتن انسان‌ها استفاده می‌شود، می‌توان استنباط کرد که یکی از اهداف آن‌ها، در واقع هدف ثانویه، تشویق به ادامه کشتار جمعی یهودیان بود.^{۹۵} چنین استدلالی کاملاً با عنصر معنوی کمک مادی و معنوی شرکت‌های خارجی از جمله شرکت‌های آلمانی تأمین‌کننده تجهیزات و وسایل تولید تسلیحات شیمیایی برای رژیم عراق منطبق است. همچنان که آشکار است هدف این شرکت‌ها کسب سود بود ولی آن‌ها کاملاً از استفاده رژیم عراق از تسلیحات شیمیایی علیه نظامیان و جمعیت غیرنظامی ایران آگاهی داشتند و با این کار به‌عنوان هدف ثانویه، رژیم صدام حسین را برای استفاده از این تسلیحات و کشتار و ایجاد درد و رنج جبران‌ناپذیر برای قربانیان تشویق می‌کردند. به نظر می‌رسد چنانچه شق (ج) بند ۳ ماده ۲۵ در پرتو موضوع و هدف اساسنامه دیوان تفسیر شود، تفسیر مذکور، تنها تفسیر مستدل از هدف باشد؛ هدف اساسنامه این است که اطمینان حاصل شود که جدی‌ترین جرایم مایه نگرانی جامعه بین‌المللی به‌عنوان یک کل نباید بدون مجازات بماند؛^{۹۶} لذا به‌سختی می‌توان باور کرد که نگارندگان اساسنامه قصد داشته باشند کسانی را که آگاهانه گاز اتاق‌های گاز یا تجهیزات و ابزارهای لازم را برای تولید تسلیحات شیمیایی با هدف اولیه کسب سود تأمین می‌کنند، از

94. Cassel, "Corporate Aiding and Abetting of Human Rights Violations: Confusion in the Courts." 312.

95. *Ibid.*

96. Rome Statute of ICC, preamble.

مجازات معاف کنند.^{۹۷} به علاوه، توجه به حقوق بین‌الملل عرفی در این زمینه حائز اهمیت است. در حقیقت، علی‌رغم شرط هدف مندرج در شق (ج) بند ۳ ماده ۲۵ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، می‌توان استدلال متقنی داشت که حقوق بین‌الملل عرفی، همان‌طور که در رویه قضایی غالب پس از جنگ جهانی دوم منعکس شده است، یعنی رویه قضایی دیوان‌های کیفری موقت یوگسلاوی و رواندا و نیز پیش‌نویس نهایی مواد جرائم علیه صلح و امنیت بشری ۱۹۹۶ کمیسیون حقوق بین‌الملل^{۹۸} و جرایم گروهی مندرج در شق (د) بند ۳ ماده ۲۵ اساسنامه دیوان که در آن شرط آگاهی کافی تلقی می‌شود، مستلزم آن است که کسانی که کمک مادی و معنوی می‌کنند، صرفاً آگاهی داشته باشند که به فعالیت‌های مجرمانه کمک می‌کنند.^{۹۹}

ب. ارزیابی نهایی

با توجه به تفاسیر ارائه‌شده در خصوص کمک مادی و معنوی توسط محاکم قضایی بین‌المللی، به نظر می‌رسد شناسایی چنین مسئولیتی در خصوص شرکت‌های خارجی امکان‌پذیر باشد. موضوع مهم، اثبات آگاهی آن‌ها است.

یکی از مقامات ارشد گمرک فدرال آلمان در مصاحبه‌ای اظهار داشت که «۹۸ درصد صادرات تسلیحات به‌صورت قطعات ارسال می‌شود و ردیابی آن‌ها را دشوار می‌کند. بسیاری از کالاها نیز در دسته کاربرد دوگانه^{۱۰۰} قرار می‌گیرند که به شرکت‌ها اجازه می‌دهد ادعا کنند که نمی‌دانند تجهیزاتشان برای استفاده نظامی است».^{۱۰۱} با این حال، این استدلال عمیقاً سست‌بنیان است؛ شرکت‌های چندملیتی مدرن نمی‌توانند آگاهی نسبت به اقدامات، مقصد محصولات یا ویژگی‌های شرکای تجاری خود را انکار کنند؛ به‌طور خاص، شرکت‌های آلمانی که قطعاتی را برای رژیم صدام حسین تأمین می‌کردند و این قطعات می‌توانست در برنامه تسلیحات شیمیایی استفاده شود، می‌دانستند که در واقع وی همین کار را انجام می‌دهد. استفاده عراق از تسلیحات شیمیایی علیه ایران در طول جنگ ایران و عراق ۱۹۸۰-۱۹۸۸ به‌طور گسترده در مطبوعات بین‌المللی منتشر و گزارش شده است.^{۱۰۲} نمونه چنین موردی را می‌توان در گزارش نیویورک تایمز مشاهده کرد:

97. Cassel, "Corporate Aiding and Abetting of Human Rights Violations: Confusion in the Courts." 313.
98. پیش‌نویس ۱۹۹۶، مسئولیت کیفری برای نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی (و همچنین سایر جنایات) را بر فردی تحمیل می‌کند که «آگاهانه به ارتکاب چنین جرمی از جمله فراهم کردن وسایل ارتکاب آن به‌طور مستقیم و اساسی کمک مادی و معنوی یا به نحوی دیگر کمک می‌کند». (UN Doc. A/CN.4/SER.A/1996/Add.1 (Part 2), 18)

99. Cassel, "Corporate Aiding and Abetting of Human Rights Violations: Confusion in the Courts." 313.

100. Dual-use.

101. Qtd. in Kelly, "'Never Again'?" German Chemical Corporation Complicity in the Kurdish Genocide", 369-370.

102. Ibid.

«سازمان ملل متحد گزارش داد [در سال ۱۹۸۶]... عراق در جنگ خلیج فارس «در بسیاری از موارد» از تسلیحات شیمیایی علیه نیروهای ایرانی استفاده کرده است. گاز خردل، رایج‌ترین عامل مورد استفاده عراقی‌ها بوده است، اما گاز اعصاب نیز مورد استفاده قرار گرفته است ... به نظر می‌رسد که استفاده از تسلیحات شیمیایی نسبت به سال ۱۹۸۴ گسترده‌تر باشد».^{۱۰۳} به گفته گری میلهلین،^{۱۰۴} مدیر پروژه ویسکانسین، یک گروه تحقیقاتی مستقر در واشنگتن در مورد اشاعه تسلیحات، «اگر به مقیاس و فراوانی صادرات برخی از این شرکت‌ها نگاه کنید، واضح است که آن‌ها عمیقاً در برنامه تسلیحات شیمیایی عراق درگیر بودند. ... حتماً می‌دانستند چه خبر است».^{۱۰۵} بنابراین باید بیان داشت، به‌طور کلی شرکت‌های خارجی مطمئناً از ترکیبات مورد استفاده در حملات شیمیایی عراق علیه ایران و اینکه فناوری آن‌ها برای جنگ شیمیایی عراق علیه ایران به کار خواهد رفت، آگاهی داشتند.

۳-۲. تعقیب شرکت‌ها یا مدیران آن‌ها؟

شایان توجه است که نمی‌توان شرکت‌ها را در محاکم بین‌المللی کیفری تحت تعقیب قرار داد و اساساً حقوق بین‌الملل فعلی، مسئولیت کیفری را بر شرکت‌ها تحمیل نمی‌کند.^{۱۰۶} منشور نورمبرگ

103. See: <https://www.nytimes.com/1986/03/15/world/iraq-cited-on-chemical-arms.html>. Accessed February 25, 2023.

104. Gary Milhollin.

105. <https://www.nytimes.com/2002/12/21/world/threats-responses-suppliers-declaration-lists-companies-that-sold-chemicals-iraq.html>. Accessed February 12, 2023.

۱۰۶. طبق قوانین آلمان، هیچ مسئولیت کیفری برای شرکت‌ها وجود ندارد زیرا قانون کیفری آلمان فقط نسبت به افراد اعمال می‌شود. با این حال، وفق «قانون تخلفات انتظامی» (Ordnungswidrigkeitengesetz or) Act on Regulatory Offenses. (OWiG, Sec. 30) وجود دارد (Administrative liability) و مضمون OWiG مصوب ۱۹ فوریه ۱۹۸۷ برای شرکت‌ها «مسئولیت اداری» (Administrative liability) وجود دارد (OWiG, Sec. 30). با توجه به اینکه شرکت‌ها نه مشمول مسئولیت کیفری، بلکه مشمول مسئولیت اداری هستند، جرمه‌های انتظامی اغلب توسط نهادهای رسمی غیرقضایی مانند دادستان‌های عمومی، اداره اصناف فدرال یا آژانس فدرال آلمان برای نظارت بر بازار مالی اعمال می‌شوند.

See: <https://www.globalcompliance.com/white-collar-crime/corporate-liability-in-germany/>. Accessed January 29, 2023.

در حقیقت، وفق بخش ۳۰ قانون تخلف انتظامی، چنانچه شخصی با «پست مدیریتی» (Managerial position) مرتکب جرم کیفری یا اداری شده باشد که نتیجتاً ناقض وظایف شرکت باشد، می‌توان چنین جرمه‌هایی را اخذ کرد. علاوه بر این، در بیشتر موارد، تخلف انجام‌شده، نقض مسئولیت‌های نظارتی مالک شرکت است که طبق بخش ۱۳۰ قانون مذکور می‌تواند منجر به جرمه انتظامی نیز بشود. همچنین وفق بخش ۹ قانون تخلفات انتظامی، ممکن است مسئولیت نظارتی توسط افرادی که به نام مالک و در پست مدیریتی عمل می‌کنند نیز نقض شود. لازم به ذکر است مسئولیت نظارت، زمانی نقض می‌شود که یکی از کارکنان شرکت، مرتکب جرم یا تخلف انتظامی مرتبط با شرکت شده باشد که مالک یا شخصی که به نام وی عمل می‌کند می‌توانست با نظارت کافی از آن جلوگیری کند یا مانع آن شود.

Sijad Allahverdiyev and Marvin Othman, “Verbandssanktionengesetz”—Corporate Liability for Germany?” *German Law Journal* 23 (2022): 639.

مقرر داشت که دادگاه نظامی بین‌المللی بتواند «گروه‌ها یا سازمان‌ها» را مجرمانه اعلام کند.^{۱۰۷} با این حال، این دادگاه فقط در محاکمه یک «فرد» می‌توانست این کار را انجام دهد. علاوه بر این، تنها پیامد مجرمانه اعلام کردن یک سازمان، مجازات سازمان نبود، بلکه اجازه محاکمه اعضا، به دلیل تعلق به سازمان بود، بدون اینکه در هر مورد نیازی به رسیدگی به «ماهیت مجرمانه» آن باشد.^{۱۰۸} نه تنها فقط اشخاص حقیقی در نورمبرگ محاکمه شدند، بلکه به همین ترتیب، اساسنامه دیوان‌های موقت و دیوان کیفری بین‌المللی، همگی صلاحیت قضایی را فقط بر اشخاص حقیقی اعمال می‌کنند. دلیل آن تا حدی ایرادات مبنایی برخی از کشورها به تعقیب اشخاص حقوقی و نیز تا حدی مبتنی بر این واقعیت است که فقط برخی از نظام‌های دادگستری ملی (مانند ایالات متحده) اجازه می‌دهند شرکت‌ها فی‌نفسه به ارتکاب جرم محکوم شوند.^{۱۰۹}

اصول کلی مسئولیت فردی در قبال جرایم بین‌المللی به‌خوبی تثبیت و توسط محاکم بین‌المللی و ملی اعمال شده است. علاوه بر این، چندین تصمیم دادگاه‌های بین‌المللی و ملی مختلف از اواخر دهه ۱۹۴۰ به‌وضوح نشان می‌دهد که افرادی که از طرف یک شرکت اقدام می‌کنند، ممکن است مطابق حقوق بین‌الملل کیفری مسئول شناخته شوند. اگرچه مسئولیت کیفری شرکت‌ها در چندین نظام قضایی ملی مقرر شده است، هیچ پرونده حقوق کیفری شناخته‌شده‌ای در رابطه با جرایم بین‌المللی علیه شرکت‌ها وجود ندارد. با وجود این، چندین پرونده حقوقی در ایالات متحده، بریتانیا و هلند اقامه شده است که از شرکت‌های دخیل در جرایم بین‌المللی یا سایر موارد نقض حقوق بشر مطالبه خسارت کرده‌اند.^{۱۱۰} البته تعقیب کیفری مدیران شرکت‌ها در رابطه با جرایم بین‌المللی دارای سابقه است؛ بدین صورت که در دادگاه‌های نظامی ایالات متحده، مدیران و افراد ارشد سه شرکت آبی‌جی فاربن،^{۱۱۱} فلیک^{۱۱۲} و کروپ^{۱۱۳} به جنایت علیه بشریت (کار اجباری و شکنجه)، جنایت جنگی (کار اجباری و غارت) و همدستی در جرم تجاوز و کشتار جمعی، و کمک مادی و معنوی به قتل، قساوت، وحشیگری، شکنجه، بی‌رحمی و سایر اعمال غیرانسانی اس‌اس، متهم و محاکمه شدند.^{۱۱۴} همچنین در پرونده سایکلون ب در ۱۹۴۶، دادگاه نظامی بریتانیایی، تاجران برونو تسش^{۱۱۵} و کارل واینباچر^{۱۱۶} را به اتهام

107. Nuremberg IMT-Statute, 1945, art. 9.

108. Cassel, "Corporate Aiding and Abetting of Human Rights Violations: Confusion in the Courts." 315.

109. *Ibid.*

110. Wolfgang Kaleck and Miriam Saage-MaaB, "Corporate Accountability for Human Rights Violations Amounting to International Crimes," *Journal of International Criminal Justice* 8 (2010): 700-701.

111. IG Farben.

112. Flick.

113. Krupp.

114. Kaleck and Saage-MaaB, "Corporate Accountability for Human Rights Violations Amounting to International Crimes," 701.

115. Bruno Tesch.

116. Karl Weinbacher.

کمک مادی و معنوی در قتل، محاکمه و محکوم کردند؛ تش مالک و واینباچر، مدیرکل شرکت تش و ستابنوو^{۱۱۷} بود. سایکلون ب اردوگاه‌های کار اجباری را تأمین می‌کرد.^{۱۱۸} همچنین می‌توان به قضایای اخیر همچون قضیه فرانس فان آنرات^{۱۱۹} و فان کانیهوون^{۱۲۰} اشاره کرد؛ دادگاه منطقه‌ای لاهه، تاجر هلندی فرانس فان آنرات را که بیش از ۱۱۰۰ تن ماده شیمیایی تیودی گلیکول را در طول دهه ۱۹۸۰ به رژیم عراق صدام حسین تحویل داده بود، به دلیل کمک مادی و معنوی در جنایات جنگی محکوم، اما از اتهام همدستی در نسل‌زدایی تبرئه کرد.^{۱۲۱} تاجر هلندی فان کانیهوون به‌عنوان مدیر شرکت‌های چوب در لیبیا، به دلیل واردات تسلیحات به این کشور و نقض قطعنامه ۱۳۴۳ شورای امنیت متهم شده است. تسلیحات وارداتی به شبه‌نظامیان تحویل داده شده و در تعداد زیادی قتل عام ارتکاب‌یافته در طول جنگ داخلی مورد استفاده قرار گرفته است. در حال حاضر وی در آفریقای جنوبی حضور دارد و این کشور از استرداد وی به هلند خودداری کرده است.^{۱۲۲}

شناسایی مسئولیت کیفری فردی در رابطه با ارتکاب جرایم بین‌المللی برای مدیران و مقام‌های ارشد شرکت‌ها در نظام حقوق بین‌الملل کیفری، این امکان را فراهم می‌آورد که در کشورهای اعمال‌کننده اصل صلاحیت جهانی از جمله بسیاری از کشورهای اروپایی، در صورت تحقق الزامات اصل صلاحیت جهانی، همچون حضور یا سکونت مظنون ادعایی جریان رسیدگی‌های کیفری^{۱۲۳} (تحقیق، تعقیب و محاکمه) آغاز شود.

شایان توجه است که محاکمه مدیران شرکت‌ها بدان معنا نیست که حقوق بین‌الملل کیفری ماهوی مسئولیت شرکت‌ها را نادیده می‌گیرد. در دو دهه گذشته، فرایندی پذیرفته‌شده در حقوق بین‌الملل به‌طور گسترده ظهور کرده است که مسئولیت کیفری یا مدنی را بر اشخاص حقوقی به دلیل کمک مادی و معنوی به نقض معاهده، و با ترجیح اعمال مسئولیت کیفری بر آن‌ها تحمیل می‌کند. حداقل سه کنوانسیون اخیر، کنوانسیون ۱۹۹۷ سازمان همکاری اقتصادی و توسعه برای مبارزه علیه رشوه‌خواری مقامات دولتی خارجی در معاملات بین‌المللی (ماده ۲)،^{۱۲۴} کنوانسیون ۱۹۹۹ در مورد تأمین مالی تروریسم (ماده ۵)،^{۱۲۵} و کنوانسیون ۲۰۰۰ در مورد جرایم سازمان‌یافته

117. Tesch & Stabenow.

118. Kaleck and Saage-MaaB, "Corporate Accountability for Human Rights Violations Amounting to International Crimes," 701.

119. Frans van Anraat.

120. Van kouwenhoven.

121. Kaleck and Saage-MaaB, "Corporate Accountability for Human Rights Violations Amounting to International Crimes," 701.

122. See: <https://trialinternational.org/latest-post/guus-van-kouwenhoven/>. Accessed February 19, 2023.

123. Criminal proceedings.

124. Organization for Economic Cooperation and Development, Convention on Combating Bribery of Foreign Public Officials in International Business transactions, Nov. 21, 1997.

125. International Convention for the Suppression of the Financing of Terrorism, Dec. 9, 1999.

فراملی(ماده ۱۰)،^{۱۲۶} کشورهای عضو را به اعمال مجازاتهای کیفری یا در مواردی که طبق قوانین داخلی این امکان وجود ندارد، مجازاتهای غیرکیفری، مطابق با اصول حقوقی داخلی آنها، علیه اشخاص حقوقی ملزم می‌کند.

۴-۲. تعقیب مدیران شرکتهای مطابق حقوق کیفری آلمان

توجه به جایگاه حقوق بین‌الملل در نظام حقوقی آلمان حائز اهمیت فراوان است. قاعده اصلی این است که قانون اساسی^{۱۲۷} عالی‌ترین قانون این کشور است، در حالی که حقوق بین‌الملل باید از طریق تشریفات قانونگذاری داخلی تصویب و اجرایی شود و نتیجتاً در شمار قوانین عادی فدرال قرار می‌گیرد. البته باید قواعد عام پذیرفته‌شده حقوق بین‌الملل را مستثنا دانست که طبق ماده ۲۵ قانون اساسی آلمان^{۱۲۸} بین قانون اساسی و قانون عادی فدرال قرار می‌گیرد و به‌عنوان اصل، نیازی به تشریفات قانونگذاری داخلی ندارد.^{۱۲۹} با این حال باید توجه داشت که اصل ۲۵ قانون اساسی به این معنا تفسیر نشود که مسئولیت کیفری می‌تواند بر اساس حقوق بین‌الملل عرفی احراز شود، حتی اگر دارای خصیصه آمره باشد. در حکمیت بین اصل ۲۵ قانون اساسی و بند ۲ اصل ۱۰۳ این قانون،^{۱۳۰} ترجیح با دومی است، به این معنی که مسئولیت کیفری همیشه مستلزم اجرا از طریق قوانین داخلی است.^{۱۳۱} بند ۲ اصل ۱۰۳ قانون اساسی آلمان، نمود بارز اجرایی‌شدن اصل قانونی‌بودن جرم و مجازات‌ها است و این اصل کلی با صفت «scripta»^{۱۳۲} کامل می‌شود؛ یعنی قوانین موضوعه، قانون مصوب قوه مقننه یا قوانین مکتوب، و بند ۲ اصل ۱۰۳ قانون اساسی تبیین می‌کند که مسئولیت کیفری باید مبتنی بر فرایند کامل قانونگذاری پارلمان باشد^{۱۳۳} که از طریق تصویب قانون مربوطه عملیاتی می‌شود.

با تصویب اساسنامه رم دیوان کیفری بین‌المللی (اساسنامه رم) توسط آلمان در ۲۰۰۲، قانون جرایم علیه حقوق بین‌الملل آلمان (زین پس قانون ۲۰۰۲) تصویب شد. مطابق این قانون، مواد ۶ تا

126. Convention against Transnational Organized Crime, Nov. 15, 2000.

127. Grundgesetz.

128. اصل ۲۵ قانون اساسی فدرال آلمان: «قواعد عام حقوق بین‌الملل جزء لاینفک قوانین فدرال خواهند بود. آن‌ها بر این قوانین ارجحیت خواهند داشت و مستقیماً حقوق و وظایفی را برای ساکنان قلمرو فدرال ایجاد خواهند کرد».

129. Michael Bohlander, *Studies in International and Comparative Criminal Law; Volume 1: The German Criminal Code: A Modern English Translation* (Oxford: Hart Publishing, 2008), 4.

130. بند ۲ اصل ۱۰۳ قانون اساسی فدرال آلمان: «فقط در صورتی عملی قابل مجازات است که قبل از ارتکاب عمل، به موجب قانون به‌عنوان جرم کیفری تعریف شده باشد».

131. Bohlander, *Studies in International and Comparative Criminal Law; Volume 1: The German Criminal Code: A Modern English Translation*, 4.

132. [Latin] Lex scripta; [English] the written or statute law.

133. Bohlander, *Studies in International and Comparative Criminal Law; Volume 1: The German Criminal Code: A Modern English Translation*, 3.

۱۲ این قانون مشمول اصل صلاحیت جهانی است که شامل سه جنایت نسل‌زدایی، جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی است. در توجه به مفاد مرتبط با ممنوعیت استفاده از تسلیحات شیمیایی، ماده ۱۲ قانون ۲۰۰۲ با عنوان «جنایت جنگی متضمن استفاده از ابزارهای جنگی ممنوع‌شده» مقرر می‌دارد: «(۱) هر کسی که در ارتباط با مخاصمه مسلحانه بین‌المللی یا مخاصمه مسلحانه‌ای که ماهیت بین‌المللی ندارد: الف) سم یا تسلیحات سمی به کار گیرد ب) تسلیحات بیولوژیکی یا شیمیایی به کار گیرد»، مرتکب جنایت جنگی شده و «... به حداقل سه سال حبس محکوم می‌شود» و «(۲) در صورتی که مرتکب به موجب بند (۱) موجب مرگ یا جراحت جدی یک غیرنظامی (ماده ۲۲۶ قانون مجازات) یا شخص تحت حمایت حقوق بین‌الملل بشردوستانه شود، به حداقل پنج سال حبس محکوم خواهد شد. در صورتی که مرتکب عمداً باعث مرگ شود، مجازات آن حبس ابد یا حداقل ده سال خواهد بود».^{۱۳۴}

شایان ذکر است که نسل‌زدایی، جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی که پس از ۳۰ ژوئن ۲۰۰۲ ارتکاب یافته‌اند، مشمول هیچ مرور زمانی نیستند.^{۱۳۵} البته نسل‌زدایی در ۲۲ فوریه ۱۹۵۵ با وضع در ماده ۲۲۰ الف قانون مجازات آلمان جرم‌انگاری شده است. متعاقباً با همان عبارت به ماده ۶ قانون ۲۰۰۲ منتقل و از ۳۰ ژوئن ۲۰۰۲ لازم‌الاجرا شد. بنابراین، تعقیب نسل‌زدایی بر اساس قوانین آلمان به صورت ذیل خواهد بود:

- ۱) نسل‌زدایی ارتکاب‌یافته قبل از ۲۲ فوریه ۱۹۵۵ به هیچ وجه قابل تعقیب نیست؛
- ۲) ممکن است نسل‌زدایی ارتکاب‌یافته قبل از تصویب قانون ۲۰۰۲ وفق ماده ۲۲۰ الف قانون مجازات آلمان سابق تحت تعقیب قرار گیرد؛
- ۳) ممکن است نسل‌زدایی ارتکاب‌یافته بعد از ۳۰ ژوئن ۲۰۰۲ تحت تعقیب قانون ۲۰۰۲ قرار گیرد.^{۱۳۶}

همان گونه که اشاره شد، وفق بند ۲ ماده ۱۰۳ قانون اساسی آلمان و ماده ۱ قانون مجازات این کشور، عطف به ماسبق‌شدن قوانین کیفری ممنوع است. مفاد مربوط به جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی با اجرای قانون ۲۰۰۲ در ۳۰ ژوئن ۲۰۰۲ لازم‌الاجرا شده است. بر این اساس، تنها جنایاتی که پس از این تاریخ ارتکاب یافته‌اند، تحت صلاحیت جهانی و نیز نسبت به اتباع این کشور، وفق پیوندهای صلاحیتی سنتی قابل تعقیب هستند.

با این حال، بند ۹ ماده ۶ قانون مجازات آلمان (که در مورد اعمال قبل از ۲۰۰۲ اعمال می‌شود) مقرر می‌دارد که صرف‌نظر از اینکه جرم در کجا ارتکاب یابد، قوانین مجازات عمومی در

134. CCIL, 2002: Sec. 12.

135. *Ibid.*, Sec. 5.

136. TRIAL International, Universal Jurisdiction Law and Practice in Germany, March 2019, 15.

مورد اعمالی که باید بر اساس یک کنوانسیون بین‌المللی الزام‌آور برای آلمان مورد تعقیب قرار گیرند، اعمال می‌شود؛ مانند پروتکل ۱۹۲۵ که دولت آلمان در ۱۷ ژوئن ۱۹۲۵ آن را امضا و ۲۵ آوریل ۱۹۲۹ اسناد تصویب را تودیع کرد یا چهار کنوانسیون ژنو ۱۹۴۹ که در ۱۹۵۴ توسط آلمان تصویب شدند یا کنوانسیون ۱۹۹۳ که دولت آلمان در ۱۳ ژانویه ۱۹۹۳ آن را امضا و در ۱۲ اوت ۱۹۹۴ اسناد تصویب را تودیع کرد و از ۲۹ آوریل ۱۹۹۷ نسبت به این کشور لازم‌الاجرا شده است.^{۱۳۷} نه پروتکل ۱۹۲۵ که صرفاً استفاده از تسلیحات شیمیایی را ممنوع می‌کند و نه کنوانسیون ۱۹۹۳ که از ۱۹۹۷ لازم‌الاجرا شده است، نسبت به تجارت فناوری ساخت تسلیحات شیمیایی در دهه ۱۹۸۰ اعمال نمی‌شوند. مضافاً مفاد لازم برای جرم‌انگاری استفاده از تسلیحات شیمیایی قبل از قانون ۲۰۰۲ وارد قوانین کیفری آلمان نشده است و در نتیجه در نگاه نخست به نظر می‌رسد تحقیق و تعقیب مظنونان ادعایی در چارچوب مسئولیت کیفری دشوار یا اساساً غیرممکن باشد. با این حال، همان‌گونه که قابل مشاهده است، کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ و مشخصاً نقض فاحش کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹ در رابطه با حمایت از غیرنظامیان، کنوانسیون‌ها و اعلامیه‌های لاهه ۱۸۹۹ از جمله «اعلامیه در خصوص ممنوعیت استفاده از پرتابه‌ها با هدف انتشار گازهای سمی خفه‌کننده»^{۱۳۸} که در ۴ آوریل ۱۹۰۰ برای آلمان لازم‌الاجرا شده است،^{۱۳۹} بند (ه) ماده ۲۳ مقررات مربوط به قوانین و عرف‌های جنگ زمینی، ضمیمه کنوانسیون (۲) در مورد قوانین و عرف‌های جنگ زمینی لاهه ۱۸۹۹ مقرر می‌دارد: «به‌ویژه استفاده از اسلحه، پرتابه یا موادی با ماهیت ایجاد صدمات اضافی ممنوع است»، همچنین، بند (ه) ماده ۲۳ مقررات مربوط به قوانین و عرف‌های جنگ زمینی، ضمیمه کنوانسیون (۴) مربوط به قوانین و عرف‌های جنگ زمینی لاهه ۱۹۰۷ مقرر می‌دارد: «به‌ویژه استفاده از اسلحه، پرتابه یا موادی که برای ایجاد رنج غیرضروری تعبیه شده باشد، ممنوع است» که در ۱۹۰۹ برای آلمان لازم‌الاجرا شده و بسترساز رسیدگی است. باید توجه داشت قبل از تصویب قانون ۲۰۰۲، پلیس جنایی فدرال و دفتر دادستان عمومی فدرال در دهه ۱۹۹۰ در تحقیقات فراملی جرایم بین‌المللی و همکاری با محاکم بین‌المللی دارای سابقه بودند؛ یعنی زمانی که مقامات آلمانی جرایم بین‌المللی ارتكابی در یوگسلاوی سابق را مورد تحقیق و تعقیب قرار دادند.^{۱۴۰} مقامات اجرای قانون آلمان ۱۲۷ پرونده مربوط به ۱۷۷ مظنون را در رابطه با نسل‌زدایی و نقض فاحش کنوانسیون ژنو ۱۹۴۹ را بررسی

137. See: https://treaties.un.org/pages/ViewDetails.aspx?src=TREATY&mtdsg_no=XXVI-3&chapter=26&clang=_en. Accessed February 21, 2023.

138. Declaration Concerning the Prohibition of the Use of Projectiles with the Sole Object to Spread Asphyxiating Poisonous Gases, Date of conclusion: 29-07-1899, Entry into force: 04-09-1900.

139. See: <https://treatydatabase.overheid.nl/en/Treaty/Details/002422>. Accessed February 21, 2023.

140. Andreas Schüller, "The Role of National Investigations in the System of International Criminal Justice – Developments in Germany," *Sicherheit und Frieden (S+F) / Security and Peace* 31, 4 (2013): 227.

کردند. از این تعداد ۱۲۱ پرونده در مرحله تحقیقات مختومه شد، یک پرونده (قضیه تادیج)^{۱۴۱} به دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق ارجاع شد و به ۵ پرونده نیز در محاکم آلمانی رسیدگی شد.^{۱۴۲} مبنای صلاحیتی رسیدگی دادگاه‌های آلمان، بند ۹ ماده ۶ قانون مجازات آلمان است که پیش‌تر به آن اشاره شد. می‌توان اعمال قانون مجازات آلمان در مورد کمک مادی و معنوی مدیران شرکت‌های آلمانی به رژیم عراق را بر مبنای تجویز این ماده امکان‌سنجی کرد. به نظر می‌رسد چنین امکانی با توسل به فصل شانزدهم در خصوص جرایم علیه حیات و ماده ۲۱۱ آن که مشمول هیچ مرور زمانی نیست (StGB, Sec. 78 (2)) فراهم است. البته بستر تعقیب بر اساس فصل هفدهم در رابطه با جرایم علیه تمامیت جسمانی از جمله ماده ۲۲۴ ناظر بر ایراد صدمات بدنی خطرناک،^{۱۴۳} یا ماده ۲۲۶ ناظر بر صدمات بدنی شدید،^{۱۴۴} فراهم بود ولی با توجه به ماده ۷۸ قانون مجازات آلمان، مشمول مرور زمان شدند. همچنین با توجه به مدل مسئولیتی مدیران شرکت‌های آلمانی در تجهیز رژیم عراق به تسلیحات شیمیایی باید به مقررۀ قانون مجازات آلمان در خصوص معاونت نیز توجه کرد. این قانون ضمن آنکه «کمک مادی» و «کمک معنوی» را از یکدیگر تفکیک کرده است، در تعریف «کمک معنوی» وفق ماده ۲۶ قانون مجازات آلمان مقرر می‌دارد: «هر کس عمداً دیگری را به ارتکاب فعل غیرقانونی (کمک‌کننده معنوی) ترغیب کند، به همان مجازات مجرم محکوم می‌شود». همچنین در بند ۱ ماده ۲۷ قانون مجازات آلمان در تعریف «کمک مادی» آمده است: «هر کس عمداً به دیگری در ارتکاب فعل غیرقانونی کمک کند، مستوجب مجازات کمک‌کننده است». البته در صورتی که حملات شیمیایی، عناصر مادی و معنوی لازم برای تحقق نسل‌زدایی را برآورد کنند، تعقیب مظنونان با هیچ مانعی قانونی مواجه نخواهد شد. این امر به‌وضوح دشوار است، چرا که احراز و شناخت قصد خاص نابودی یک گروه (ملی، نژادی، قومی و مذهبی) به‌عنوان رکن معنوی خاص جنایت نسل‌زدایی، یکی از موانع جدی تعقیب است. در حقیقت، در نسل‌زدایی، علاوه بر سوءنیت عام، فاعل باید قصد خاصی را از عمل خود اراده کند، به نحوی که منشأ نابودی تمام یا قسمتی از یک گروه ملی، نژادی، قومی یا مذهبی باشد. در واقع، وجه تمایز قتل ساده و نسل‌زدایی همین عنصر قصد یا سوءنیت خاص است.^{۱۴۵}

141. See: Investigation Judge at the Federal Supreme Court (Arrest Warrant), case file no. 1 BGs 100/94).

142. Andreas Schüller, "The Role of National Investigations in the System of International Criminal Justice – Developments in Germany," 227-n9.

143. Dangerous bodily harm.

144. Grievous bodily harm.

۱۴۵. محمدعلی اردبیلی، «کشتار جمعی»، مجله حقوقی ۹، ۱۱ (۱۳۶۸): ۵۲.

نتیجه

مقابله با بی‌کیفرمانی مرتکبین جرایم بین‌المللی و همدستان آن‌ها، هدف اساسی حقوق بین‌الملل کیفری است. بر همین اساس، جامعه بین‌المللی همیشه تلاش کرده است بعد از رخدادهای متضمن ارتکاب جرایم بین‌المللی، مظنونان ادعایی ارتکاب جرایم بین‌المللی، خواه مباشرین، معاونین و آمرین را تحت تعقیب و محاکمه قرار دهد. نیک پیداست که در محضر عدالت حاضر کردن مظنونان ادعایی جدی‌ترین جرایم، مایه نگرانی جامعه بین‌المللی از یک سو و رسالتی بزرگ بر دوش اعضای جامعه بین‌المللی و از سوی دیگر گام بزرگ برای تضمین احترام به حقوق بنیادین بشر است.

جنگ تحمیلی رژیم صدام حسین علیه ایران، مصائب و درد و رنج‌های بسیاری برای نظامیان و جمعیت غیرنظامی ایران فراهم آورد. مشخصاً استفاده از تسلیحات ممنوعه از جمله تسلیحات شیمیایی باعث تلفات انسانی گسترده و ایراد آسیب‌های جبران‌ناپذیر شده است. درد و رنج ناشی از این حملات باعث شده مصدومان حملات شیمیایی رژیم عراق، سال‌ها با مرگ دست و پنجه نرم کنند. همدستی شرکت‌های خارجی در تأمین و تجهیز دولت وقت عراق به تسلیحات شیمیایی، واقعیتی غیرقابل انکار است. در این میان شرکت‌های آلمانی از جمله شرکت‌های متعدد کشورهای عمدتاً غربی تجهیزکننده رژیم عراق بودند که به لحاظ کمی و کیفی بیشترین نقش را داشتند.

بررسی عناصر مدل مسئولیتی کمک مادی و معنوی در نظام حقوق بین‌الملل کیفری و حقوق کیفری آلمان و تطبیق آن با وقایع دخالت شرکت‌های آلمانی در تجهیز رژیم عراق به تسلیحات شیمیایی نشان‌دهنده آن است که معاونت شرکت‌های آلمانی و مشخصاً مدیران این شرکت‌ها در تجهیز رژیم عراق به تسلیحات شیمیایی محرز است؛ لذا تعقیب مدیران شرکت‌ها از منظر حقوق بین‌الملل کیفری و مشخصاً از طریق اعمال اصل صلاحیت جهانی در محاکم ملی کشورهای اعمال‌کننده صلاحیت جهانی از جمله بسیاری از کشورهای اروپایی با توجه به سابقه و رویه قضایی این کشورها در اعمال صلاحیت جهانی به منظور تعقیب مرتکبین ادعایی جرایم بین‌المللی، از مبانی حقوقی متقنی برخوردار است. همچنین به نظر می‌رسد عطف توجه به نظام حقوقی آلمان و سابقه این کشور در تعقیب مرتکبین ادعایی جرایم بین‌المللی در یوگسلاوی سابق که ریشه در تجویز مندرج در بند ۹ ماده ۶ قانون مجازات این کشور دارد، حاکی از آن است که تعقیب مدیران شرکت‌های آلمانی در محاکم این کشور از مبانی هنجاری قابل اتکایی برخوردار است.

منابع:

الف. فارسی

- کتاب

۱. زمانی، سیدقاسم (ب). تأملی بر رعایت حقوق بی‌طرفی در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، شهر دانش، ۱۳۸۰.
۲. _____ (ج)، حقوق بین‌الملل و کاربرد سلاح‌های شیمیایی در جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس، ۱۳۷۶.
۳. نیک‌خواه بهرامی، محمدباقر. جنایت جنگی حملات شیمیایی عراق در جنگ با ایران، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، ۱۳۹۱.

- مقاله

۱. اردبیلی، محمدعلی، «کشتار جمعی»، مجله حقوقی ۹، شماره ۱۱ (۱۳۶۸).
۲. زمانی، سیدقاسم (الف)، «تأملی بر حکم دادگاه استیناف شهر لاهه (۹ مه ۲۰۰۷) در مورد معاونت در کاربرد سلاح‌های شیمیایی توسط عراق»، مجله حقوقی ۲۴، شماره ۳۷ (۱۳۸۶).
۳. شریفی طرازکوهی، حسین، «کاربرد تسلیحات شیمیایی در جنگ ایران و عراق از منظر حقوق بین‌الملل کیفری»، پژوهش حقوق عمومی ۱۸، شماره ۵۲ (۱۳۹۵).

ب. انگلیسی

- Books

1. Bohlander, Michael. *Studies in International and Comparative Criminal Law; Volume 1: The German Criminal Code: A Modern English Translation*. Oxford, United Kingdom: Hart Publishing, 2008.
2. Henckaerts, Jean-Marie and Louise Doswald-Beck. *Customary International Humanitarian Law Volume I: Rules*. United Kingdom: Cambridge University Press, 2005.

- Article & Thesis

1. Allahverdiyev, Sijad, and Marvin Othman, ““Verbandssanktionengesetz”—Corporate Liability for Germany?” *German Law Journal* 23 (2022).
2. Cassel, Douglass, “Corporate Aiding and Abetting of Human Rights Violations: Confusion in the Courts.” *Northwestern Journal of International Human Rights* 6, Issue 2 (2008).

3. Hathaway, Oona A. Et al., "Aiding and Abetting in International Criminal Law." *Cornell Law Review* 104, Issue 6 (2020).
4. Kaleck, Wolfgang and Miriam Saage-MaaB, "Corporate Accountability for Human Rights Violations Amounting to International Crimes." *Journal of International Criminal Justice* 8 (2010).
5. Kelly, Michael J. "'Never Again'?" German Chemical Corporation Complicity in the Kurdish Genocide." *Berkeley Journal of International Law (BJIL)* 31, no. 2 (2013).
6. Schüller, Andreas "The Role of National Investigations in the System of International Criminal Justice – Developments in Germany." *Sicherheit und Frieden (S+F) / Security and Peace* 31, no. 4 (2013).

- Laws, Reports, Cases

1. Basic Law for the Federal Republic of Germany (Grundgesetz für die Bundesrepublik Deutschland - GG).
2. Cartagena Declaration on Weapons of Mass Destruction (1991).
3. Chemical Weapons Convention (CWC), Signed: 13 January 1993, entered into force: 29 April 1997.
4. Code of Crimes against International Law (CCAIL) (Völkerstrafgesetzbuch – VStGB).
5. Comprehensive Agreement on Respect for Human Rights and IHL in the Philippines (1998).
6. Convention against Transnational Organized Crime, Nov. 15, 2000.
7. Criminal Code of Belgium (Straftwek van België/Code pénal de Belgique).
8. Declaration concerning the prohibition of the use of projectiles with the sole object to spread asphyxiating poisonous gases, Date of conclusion: 29-07-1899, Entry into force: 04-09-1900.
9. French Criminal Code (FCC)
10. German Criminal Code (Strafgesetzbuch – StGB).
11. Germany-Act on Regulatory Offences.
12. ICC, Prosecutor v. Bemba, Case No. ICC-01/05-01/13, Trial Judgment Pursuant to Article 72 of the Statute, (Oct. 19, 2016).
13. ICC-Statute, Signed: 17 July 1998, entered into force: 1 July 2002, Article 8(2)(b) (xvii) and Article 8(2)(e)(xiii).
14. ICTY, Prosecutor v. Brdanin, Case No. IT-99-36-T, Trial Judgment, (Sept. 1, 2014).
15. International Convention for the Suppression of the Financing of Terrorism, Dec. 9, 1999.
16. Investigation Judge at the Federal Supreme Court (Arrest Warrant), case file no. 1 BGs 100/94).
17. Mendoza Declaration on Chemical and Biological Weapons (1991).

18. Nederland-Act of 19 June 2003 containing rules concerning serious violations of international humanitarian law (International Crimes Act).
19. Nuremberg IMT-Statute, 1945, art: 9.
20. Organization for Economic Cooperation and Development, Convention on Combating Bribery of Foreign Public Officials in International Business Transactions, Nov. 21, 1997.
21. Protocol for the Prohibition of the Use in War of Asphyxiating, Poisonous or Other Gases, and of Bacteriological Methods of Warfare, Signed: 17 June 1925.
22. Swedish Act on Criminal Responsibility for Genocide, Crimes Against Humanity and War Crimes (Universal Crimes Act or UCA).
23. The Criminal Code of Finland.
24. The Netherlands, District Court in The Hague, Van Anraat case.
25. TRIAL International, Universal Jurisdiction Law and Practice in Germany, March 2019.
26. UN Doc. A/CN.4/SER.A/1996/Add.1 (Part 2).
27. UN Security Council resolution 582 (1986), resolution 598 (1987), resolution 612 (1988), resolution 620 (1988), resolutions 2118 (2013) and 2235 (2015).

- Websites

1. https://treaties.un.org/pages/ViewDetails.aspx?src=TREATY&mtsg_no=XXVI-3&chapter=26&clang=_en. Accessed February 21, 2023.
2. <https://treatydatabase.overheid.nl/en/Treaty/Details/002422>. Accessed February 21, 2023.
3. <https://trialinternational.org/latest-post/guus-van-kouwenhoven/>. Accessed February 19, 2023
4. <https://www.latimes.com/archives/la-xpm-1991-02-15-mn-1086-story.html>. Accessed February 22, 2023.
5. <https://www.latimes.com/archives/la-xpm-1991-02-15-mn-1086-story.html>. Accessed February 22, 2023.
6. <https://www.nytimes.com/1986/03/15/world/iraq-cited-on-chemical-arms.html>. Accessed February 25, 2023.
7. <https://www.nytimes.com/2002/12/21/world/threats-responses-suppliers-declaration-lists-companies-that-sold-chemicals-iraq.html>. Accessed February 12, 2023.